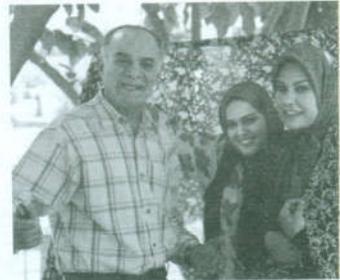
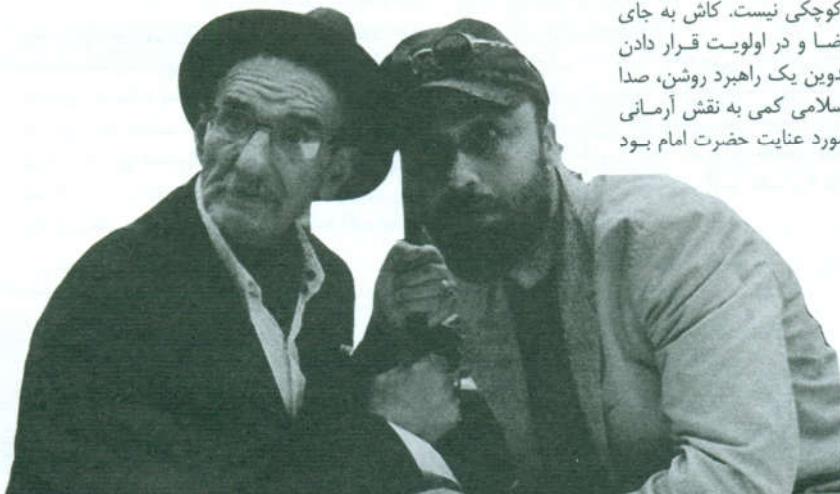
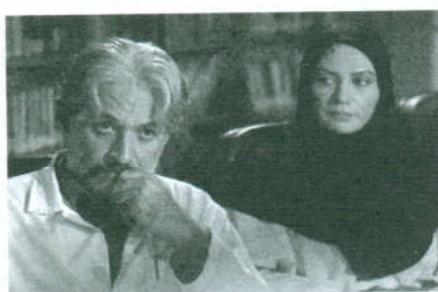




درباره تحفه‌های نامبارک تلویزیون



چند سالی است که صدا و سیما در ماه مبارک رمضان با برنامه‌های متنوع و به عقیده برخی، جذاب، توانسته بسیاری از روزه‌داران عزیز را تا پاسی از شب یای تلویزیون بشاند.

گذشته از ماهیت مخبر این رسانه در ماه مبارک رمضان، بد نیست با هم به بررسی برخی آفات که منجر به آثار سوء فرهنگی در جامعه‌مان شده است

پیردازیم:

۱. ورود به حوزه تخصصی اعتقادی توسعه افراد غیر کارشناس
به تصویر کشیدن حقایقی چون روح، شیطان، برخ، چشم برخی و... که حتی در بسیاری از این موارد بین علمای دینی هم اختلاف نظرهایی وجود دارد کار سیار حساسی است. برداشت‌های سطحی از آیات و روایات موجود سبب شده است نسل جدید، آشنازی ناقص و گاه غلطی از این مفاهیم پیدا کند تا آن جا که جایگزین کردن فهم اصلی و درست آن اگر ممکن باشد بسیار دشوار است! بدتر از این گاه مشاهده شده برداخت نامناسب و فاقد دقت لازم به دلایل مختلفی از جمله افزودن جنبه دراماتیک و نمایشی آن سبب شده مردم با تماسخر و شوخی به نظاره این موضوعات و حقایق بشینند که این مسأله بنای احساسات و دلیستگی‌های مذهبی را خواهد سوزاند. استفاده نکردن از کارشناسان خبره و ماهیت غیر نمایشی مفاهیم ماوراء الطیعه باعث شده برخی مسائل اعتقادی کاملاً غلط و وارونه به نمایش دریابد.

۲. محتوای سبک و عدم رعایت اصول اخلاقی

استفاده از شوخی‌های سبک و بی‌محتوها که در آن تماسخر دیگران، غبیت‌تهمت و عدم رعایت افت کلام به راحتی مجاز شمرده می‌شود به هیچ‌وجه با منش اصلاح فرهنگی که وظیفه رسانه ملی است نمی‌سازد و حتی ادبیات عامیانه مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ماه مبارک رمضان که سفارش به پارسایی و پاکادمی سرآمد سفارش‌های دین مبین است ضربه به فرهنگ جامعه اسلامی و هجو ارزش‌های دینی چه توجیهی دارد؟! عدم وسوسات در مسائل مهمی چون برنامه‌های رسانه‌ای فراگیر چون تلویزیون گناه کوچکی نیست. کاش به جای سیاست عرضه و تقاضا و در اولویت قرار دادن رضایت مشتری، با تدوین یک راهبرد روش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی کمی به نقش آرمانی «دانشگاه ملی» که مورد عنایت حضرت امام بود نزدیک شود.

۳. ساعت پخش نامناسب و الگوی زمانبندی خانواده‌ها
بیشتر خانواده‌ها برنامه خواب و غذا و مهمانی و... خود را با برنامه‌های تلویزیون تنظیم می‌کنند، و متأسفانه همراه با اتمام آخرین سریال به موعد خواب نزدیک می‌شوند. پخش سریالی پر بیننده در ساعت ۱۱ شب قطعاً اثر نامناسبی بر تنظیم الگوی زمانبندی خواب و سحرخیزی خانواده‌ها دارد. غیر از بطالتی که ذاتاً این سریال‌ها بعد از افطار تا ساعت ۱۲ شب برای خانواده‌ها فراهم می‌آورند دست کم توجه به ساعت پخش آنها لازم به نظر می‌رسد.

۴. محتوای سبک و عدم رعایت اصول اخلاقی
استفاده از شوخی‌های سبک و بی‌محتوها که در آن تماسخر دیگران، غبیت‌تهمت و عدم رعایت افت کلام به راحتی مجاز شمرده می‌شود به هیچ‌وجه با منش اصلاح فرهنگی که وظیفه رسانه ملی است نمی‌سازد و حتی ادبیات عامیانه مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ماه مبارک رمضان که سفارش به پارسایی و پاکادمی سرآمد سفارش‌های دین مبین است ضربه به فرهنگ جامعه اسلامی و هجو ارزش‌های دینی چه توجیهی دارد؟! عدم وسوسات در مسائل مهمی چون برنامه‌های رسانه‌ای فراگیر چون تلویزیون گناه کوچکی نیست. کاش به جای سیاست عرضه و تقاضا و در اولویت قرار دادن رضایت مشتری، با تدوین یک راهبرد روش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی کمی به نقش آرمانی «دانشگاه ملی» که مورد عنایت حضرت امام بود نزدیک شود.

۵. استفاده از بازیگران و عوامل نامناسب
الگویسازی توسعه رسانه‌ای چون تلویزیون آن‌قدر واضح است که نیازی به بحث و دفاع ندارد اما این آثار هنگامی حساسیت ویژه‌ای می‌یابد که قرار است با عارف اسلامی و مسائل اعتقادی مرتبط شود. استفاده از افرادی که شهرت سوء داشته و از نظر اخلاقی شناخته شده هستند در نقش‌هایی که الگوی دیانت و اخلاق شمرده می‌شوند تناقضی به وجود می‌آورد که افکار عمومی جامعه را به سمتی ناخواسته هدایت می‌کند. بدجاجای، رفاتهای نامتعارف و آرایش‌های آنجلانی در زندگی واقعی بازیگرانی که نقش‌های افراد مذهبی و مقید را بازی می‌کنند مستقیماً اعتقادات مذهبی را نشانه می‌روند. توجه داشته باشید که در سریال‌های غیر معارفی این تأثیر به مراتب کمتر است.